

گامی در جهت صفوف مستقل کارگری در اول ماه مه ۱۳۸۷

علی طاهری

سی و یکم فرورین هشتاد و هفت

کارگران شهرستان قم در تقاطع ولی عصر طالقاتی شعاری دادند: "فرانسه را نگاه کن فکری به حل ما کن" هر تشکل دولتی که با فریب و نیرنگ و پشتیبانی سرمایه داران و دولت بخواهد در غیاب طبقه کارگر، خود را نماینده کارگران جا بزند در برابرش می ایستند و راه به جایی نخواهد برد.

برگزاری مراسم اول ماه مه از سال ۶۰ به بعد توسط خانواده های کارگری عمدتاً در پارک ها و بعد به صورت گروه کوهنوردی یا در کارخانه و کارگاه ها با خواندن تاریخچه اول ماه مه انجام گرفت. از سال ۱۳۶۸ این مراسم در گل گشت های کارگری در جمعه قبل از اول ماه مه، با استفاده از امکانات سرویس های رفت و برگشت کارخانه انجام می گردید. در سال های اخیر این گلگشت ها با جمعیتی چند هزار نفری برگزار می شود و هر سال جنبه ی اجتماعی تری بخود می گیرد و سال به سال افراد بیشتری از بدنه کارگری در این مراسم شرکت می کنند که از آن جمله می توان به حضور چشمگیر بخش خای دیگری از جنبش کارگری از جمله کارگران سندیکای شرکت واحد، اتحادیه خبازان سقز و کارگران مهاجر افغان همراه با خانواده های خود، کودکان کار و خیابان در سال ۸۵ اشاره کرد.

در اول ماه مه ۱۳۷۸، بخشی از کارگران در مراسمی شرکت کردند که توسط خانه کارگر برگزار شده بود. در این مراسم بین کارگرانی که در پی ایجاد تشکل مستقل کارگری بودند و عوامل خانه کارگر درگیری بوجود آمد. این درگیری ها از یک سو به میدان امام حسین و از سوی دیگر به خیابان ولی عصر گسترش پیدا کرد. کارگران با سردادن شعار های تند و تیز طبقاتی شان توطئه سواستفاده از کارگران را افشا می کردند. این اولین شرکت فعال کارگران بعد از سال ۵۹ در تجمعات کارگری بود و خانه کارگر بعد از آن کمتر اقدام به برگزاری مراسم کرد. اما بخش دیگری از کارگران، مراسم اول ماه مه ان سال را از طریق محافل کارگری به طور جداگانه و بی خبر از هم برگزار کردند. بعد از مراسم سال ۷۸ خانه کارگر تا سال ۸۴ هیچ گونه راه پیمایی برگزار نکرد. هرچند مراسم اول ماه گاه و بیگاه به صورت جسته و گریخته برگزار می شد. اما در سال ۸۲ دو مراسم به مناسبت اول ماه مه برگزار شد. یکی مراسم اول ماه مه در مردآباد کرج و دیگری مراسمی بود که در جاده ساوه برگزار شد. از ویژگی خای این دو مراسم در سال ۸۲ بحث های جدید در رابطه با چگونگی کار در جنبش کارگری چه بعد و چه قبل از برگزاری بین برگزارکنندگان در گرفت و دیگر اینکه شرکت کنندگان عمدتاً فعالان چپ و کارگری بودند که البته هر دو مراسم در غیاب کارگران برگزار شد.

در سال ۸۳ بخشی از فعالین کارگری تحت نام کمیته برگزاری اول ماه مه، در چندین شهر مراسم اول ماه مه را طی یک قطعنامه مشترک برگزار کردند. با این وجود همانطور که اشاره شد در این مراسم ها کمتر کارگران شرکت داشتند. گرچه اقدام به برگزاری مراسم اول ماه مه در سقز عملی نشد اما نقطه عطفی در جنبش کارگری ایران بود. در سال ۸۴ در مراسم گردهمایی کارگران صنایع خودروسازی و دیگر کارگران بخش های صنعتی در خور(جاده

کرج) حول چگونگی برگزاری مراسم اول ماه مه بحث های زیادی انجام گرفت. یک نظر بر آن بود که مراسم در سالن برگزار شود، نظر دیگر، شرکت کارگران در مراسمی بود که خانه کارگر برگزار می کرد. این مراسم از چهارراه ایران خودرو شروع می شد تا شرکت کنندگان خواست ها و مطالبات خود را مطرح کنند. در پایان جلسه جمعی از کارگران برای تدارک شرکت در راهپیمایی روز شنبه، در همان محل جلسه ای تشکیل دادند و روی شعارها بحث و گفتگو کردند که باید در آن روز داده میشد. از بین شعار های پیشنهادی، نهایتاً شعارهای زیر برای شرکت در آن روز انتخاب شد: "تشکل مستقل حق مسلم ماست" "اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار"، "اخراج کارگر، جنایت جنایت"، "اعتصاب اعتصاب حق مسلم ماست"... و بسیاری شعارهای دیگر که در زمینه مطالبات کارگری در روز اول ماه مه از سو کارگران پیشرو در کنار دیگر فعالان کارگری بر علیه خانه کارگر سرداده شد. حضور کارگران پیشرو در میان بدنه کارگری نمایی از قدرت و عظمت جنبش کارگری را به منصفه ظهور گذاشت.

کارگران ساوجبلاغی با پارچه نوشته ها و پلاکاردهایی که مطالبات کارگری بر روی آن حک شده بود، با فریاد های بلند شعار سر می دادند. همبستگی و شور بی وصف کارگران حکایت از آن می کرد که یک صدا خواستار کناره رفتن این جریان ضد کارگری هستند که با فریب و نیرنگ خور را نماینده کارگران جا زده است. تشکیلاتی که با کمک جمهوری اسلامی ایجاد شده است تا به نفع سرمایه داران مانع ایجاد تشکل ضد سرمایه کارگران شود. تشکلی که در حمله به کارگران پیشرو و ضد سرمایه داری ید طولایی دارد

کارگران ساوجبلاغی با پارچه نوشته ها و پلاکاردهایی که بلاخره برگزار کنندگان که غافل گیر شده بودند کارگران را به سالن ورزشگاه هدایت کردند تا به این طریق از افشاگری های کارگران بکاهند. اما در سالن هم کارگران دست از شعار برنداشتند، بلکه در سالن شعارها تند و تیزتر شد. شعار تحریم انتخابات سردادند. چند تن از کارگران دستگیر شدند که با اعتراض کارگران روبرو شد. اما بر خلاف انتظار خانه کارگر، این کارگران بودند که برنامه خود را به پیش می بردند. رفته رفته مدیریت سالن از دستشان خارج شد. و اعتراض کارگران باعث آن شد که سخنرانان مجبور به قطع سخنرانی خود بشوند. کارگران سالن را ترک گفتند اما حدود ۵۰۰ نفر در سالن ماندند. سخنرانی ها مجدداً آغاز شد، این بار نیز کارگران حاضر در سالن نیز با اعتراضات خود سخنرانان را وادار به قطع سخنرانی کردند.

سال بعد نیز مراسم اول ماه مه در خور برگزار شد. مجدداً بحث شرکت در مراسم راه پیمایی خانه کارگر مطرح شد که عمدتاً خواستار شرکت فعالان مراسم شدند. بخشی از کارگران و دانشجویان به دنبال گردهمایی کارگران شرکت واحد که ابتدا قرار بود در محل تعمیرگاه مرکزی شرکت واحد اتوبوس رانی انجام شود شرکت کردند. بخشی از کارگران پیش رونیز در مراسم جداگانه خیابان طالقانی حضور داشتند. شرکت کنندگان در مراسم جلوی تعمیرگاه مرکزی شرکت واحد عمدتاً کارگران شرکت واحد و جمعی از پیشروان کارگری و دانشجویان بود که شعار " لغو قرارداد موقت کار" "بازگشت کارگران اخراجی به سرکار" "کارگر زندانی آزاد باید گردد" "اساتلو آزاد باید گردد"، آزادی تشکل و... را سرداده بودند. راه پیمایی در خیابان طالقانی از جلوی سفارت سابق امریکا با سخنرانی محبوب آغاز شد. سخن رانی قبل از تجمع کارگران شروع شده بود. در حالی که کارگران شهرستان قم در تقاطع ولی عصر- طالقانی شعار " فرانسه را نگاه فکری به حال ما کن" می دادند و کارگران قزوینی که ماه بود حقوق نگرفته بودند در یک اقدام سمبولیک به پارچه هایشان نان بربری چسبانده بودند و مطالبات خود را مطرح می کردند.

خانه کارگری ها در صدد بودند که از شعار دادن کارگران جلوگیری کنند اما موفق به این کار نشدند و در واقع سخنرانی در حالی به پایان رسید که مدام با اعتراض کارگران قطع می شد. صادقی شروع به سخنرانی کرد که کارگران قطعه سازی مشهدی و کارگران نازنخ و لامپ الوند از قزوین و رفتگران شهرداری تهران و دیگر کارگرانی که جلوی جایگاه تجمع کردند مدام به سخنرانی اعتراض می کردند. شعارهایی چون "لغو قرارداد موقت" سر می دادند و خواستار مطالبات کارگری خود بودند... در این موقع چند کارگر تلاش می کردند خود را به جایگاه سخنرانی برسانند، یک نفر میکروفون را برداشت که مبادا به دست کارگران بیفتد. در یک لحظه اعلام شد که مراسم پایان یافته است و از نیروی انتظامی خواسته شد که راه پیمایی کارگران را کنترل کنند. از سوی دیگر عوامل خانه کارگر، کارگران شهرستانی را وادار می کردند سوار اتوبوس ها شوند. اما از این جا دیگر کارگران شروع به راه پیمایی از سمت سفارت به سمت میدان فلسطین کردند. کارگران شعارهایی چون: "سرمایه از روز ازل نبوده" "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" لغو قراردادهای موقت" "کارگر زندانی آزاد باید گردد" و ... سر دادند در حالی که هر دم به جمع پلیس ها و لباس شخصی ها افزوده میشد کارگران با استحکام و مقاومت هر چه بیشتر از رفتن به پیاده رو که خواست نیروی انتظامی و لباس شخصی ها بود، سرپیچی می کردند و یک صدا با صف هایی تقریباً منظم شعار می دادند و دوستانی که دستگیر می شدند را آزاد می کردند.

صدا و سیما نتوانست از کل تظاهرات و سخنرانی ها صحنه ای را به نمایش بگذارد که بیانگر حمایت کارگران از عوامل خانه کارگر باشد و اگر می خواست سخنرانی ها را پخش کند، اعتراض کارگران در آن نمایان می شد. اگر می خواست راه پیمایی و تظاهرات کارگران را به نمایش بگذارد، صف مستقل جنبش کارگری بود شعارها و مطالبات خود را در تقابل با سرمایه مطرح کرد.

اما راه پیمایی و تظاهرات روز اول ماه مه ۸۵ ویژگی هایی داشت که این مراسم را از مراسم سال های گذشته متمایز می کرد. در سال های گذشته مراسم مختص فعالان چپ و کارگری بود که عمدتاً در سالن یا خانه ای گرد هم می آمدند و در این رابطه بیانیه هایی هم صادر می شد. بیانیه هایی که گاهی بیش از بیست بند داشت، و ساعتها گرایش های مختلف روی آن بحث میکردند. بسیاری از مواقع نیز به خاطر عدم توافق به جداسدن گرایش ها منتهی میشد. خواست و مطالبات روز کارگران نیز در میان این بندها که در واقع مطالبات گروهی بود، گم می شد. کمیته های کارگری هم که مدعی جنبش گرایی بودند، نتوانستند در میان کارگران که سالها با عمل آگاهانه خود از منافع نازل گروهی و سازمانی بریده بودند و عملاً با جهتگیری برای هدایت جنبش کارگری به نفع این مسئله پرداخته بودند، جایگاهی بیابند، بعضاً روی مسئله تشکل طبقه کارگر خم میشدند اما چون گروه گرایی زنجیر دست و پایشان میشد زود سرخورده می شدند.

اما سال گذشته جنبش اجتماعی طبقه کارگر گوشه ای از قدرت و توانش را به نمایش گذاشت و آمادگی خود را برای عملی کردن مطالبات کارگری اش اعلام کرد. سال گذشته به سرمایه داران و عوامل ان نشان داد که هر تشکل دولتی که با فریب و پشتیبانی سرمایه داران و جمهوری اسلامی بخواهد در غیاب طبقه کارگر، خود را نماینده کارگران جا بزند، در برابرش می ایستد و راه به جایی نخواهد برد.

طبقه کارگر نشان داد که می خواهد با تکیه به نیروی خودش تشکلی را به وجود آورد که برای عملی کردن مطالباتش جلوی سرمایه داران بایستد. کارگران با عمل و شعار هایشان نشان دادند که (خانه کارگر) و (شورای اسلامی کار) در

میان طبقه کارگر پایگاهی ندارند و از ابتدا هم رسالت شان این بوده است که مانعی برسر تشکل یابی طبقه کارگر باشند. تظاهرات سال گذشته نسبت به سال قبل هم چند گام به پیش بود و عملاً با جدا کردن صف خود از عوامل سرمایه، تظاهرات و راه پیمایی خاص خود را داشت. کارگران متوهم و محافظه کار هم که به هر دلیل در تظاهرات شرکت نکردند با چشم خود دیدند که چگونه نیروی انتظامی از عوامل خانه کارگر دفاع می کند و زمانی که با فشار جنبش کارگری نتوانستند برنامه خود را اجرا کنند از نیروی انتظامی خواستند که با کارگران مقابله کنند.

سال گذشته کارگران پیشرو به مثابه قلب کارگران با توده های کارگری ارتباط ارگانیک برقرار کردند. کارگران پیشرو، فعالان کارگری از دور و جدا از طبقه کارگر بیانیه صادر نکردند، بلکه به درون جنبش کارگری آمدند. نیامدند که کارگران پیشرو را از طبقه جدا کنند، بلکه آمدند هم آموزش بدهند هم آموزش بگیرند. شعارها هم بخشی از مطالبات جامعه کارگری بود که هرروزه کارگر برای گرفتن آن با سرمایه دار درگیر است.

سال گذشته گروه گرایی و فرقه گرایی به دریای جنبش اجتماعی طبقه کارگر پیوست و در موج توفنده بخشی از بدنه طبقه کارگر مجالی برای خودنمایی نیافت. در هر صورت طبقه کارگر در این روز درسی عملی به فعالان کارگری داد که فرقه گرایی سنخیتی با طبقه کارگر ندارد. گرچه این نگرش سال ها بر جنبش کارگری حکومت کرده است و بالطبع برای آن که به نفی عمل خود برسد، کاری جانانه می طلبد، به راستی سال گذشته فرصت خوبی بود برای برخورد با سکتاریسم و فرد گرایی در هر شکل و نمایی.

سکتاریسم مجال آن را نیافت که پیشروان کارگری را از طبقه کارگر جدا کند، بلکه سال گذشته فعالان و پیشروان کارگری در کنار هم جهت منافع جنبش کارگری و منافع جامعه (طرح شعار بر علیه جنگ احتمالی ایران با امریکا) رفتند. با این وجد این مراسم بهتر از این هم می توانست برگزار شود.

بخشی از کارگران شرکت واحد و دانشجویان و فعالان کارگری اول ماه مه را جلوی تعمیرگاه مرکزی برگزار کردند. از سویی بخش دیگری از کارگران به همراه فعالین جنبش زن مراسم اول ماه مه را در ترمینال آزادی برگزار کردند. اگر کارگران شرکت واحد و کارگرانی که در ترمینال آزادی و جاهای دیگر مراسم جداگانه برگزار کردند در کنار هم حاضر می شدند، توان و قدرت جنبش کارگری نیروی بیشتری می بخشیدند. هرچند بخشی از کارگران آگاه و دلسوز برای جلوگیری از تفرقه و مقابله با سکتاریسم در هر دو تجمع کارگری شرکت کردند.

با وجود اهمیتی که مراسم سال گذشته داشت جمعیت حاضر در راه پیمایی نتوانست جنبش کارگری، از کارگران شاغل گرفته تا اخراجی و بیکاری که برای افزایش دستمزد، مبارزه برای امنیت شغلی، مبارزه با بیکاری و اخراج به طرق مختلف (دست از کار کشیدن، تجمع جلوی ادارات مختلف و...) را در روز اول ماه مه به میدان بیاورد.

عدم وجود تشکل در میان کارگران معترض یکی از علل فرسایش خود جنبش اجتماعی کارگران است در گرفتن مطالباتشان است. بالطبع به خاطر همین عدم تشکل، در مراسم هم حضور پیدا نمی کنند و حتی خبری از دیگر بخش های کارگری ندارد. آزادی تشکل و ایجاد تشکل های مستقل کارگری یکی از مطالبات اساسی کارگران باید باشد که برای عملی کردن این خواست های کارگری باید کارگران پیشرو و فعالان کارگری در میان بدنه کارگری کار کنند. این یک راه کار عملی برای تشکل یابی طبقه کارگر به نیروی خود است. بدون تشکل نمی توان بین بخش های مختلف کارگری پیوند برقرار کرد. وجود تشکل خود می تواند زمینه ساز فراخوان جنبش کارگری برای ره پیمایی و تظاهرات

کارگری در مراسم اول ماه مه باشد. در غیر این صورت طبقه کارگر باید منتظر باشد تا خانه کارگر مراسم بگیرد و آنگاه جنبش کارگری در آن شرکت کند و تلاش و سعی کند که شعارهای آن را تغییر دهد.

تشکل کارگری با سردادن شعار به وجود نمی آید، بلکه ایجاد تشکل های کارگری بر بستر مبارزات کارگری برای تحقق مطالبات ایجاد می شود. همان طوری که در اول ماه مه و هم چنین تجمع های اعتراضی شاهدیم، خواست عمده کارگران لغو قراردادهای موقت، افزایش دستمزد ها، بازگشت به کار کارگران اخراجی است. عملی شدن این مطالبات شرکت فعال کلیه کارگران (شاغل، بیکار و اخراجی) را طلب می کند.

علی طاهری

۱۳۸۷/۱/۱۹